

بررسی ساختار و محتوای لاژو، ترانه سور و سرور بلوچی

(ص ۷۸-۵۹)

عبدالغفور جهان‌دیده^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۲۳

چکیده

ترانه‌ها و سروده‌های عامه از پربارترین گنجینه‌های ادبی هستند، این سروده‌ها با هویت اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها درآمیخته است، ترانه‌های سرور بخشی از این سروده‌هاست که آن‌ها را معمولاً به صورت ملحون یا همراه با موسیقی در مراسم جشن و شادی می‌خوانند. لاژو نوعی ترانه و سرود سرور در ادبیات عامه بلوچی است، در پژوهش حاضر متن اشعار این سروده‌ها را به صورت میدانی گردآوری و با روش توصیفی - تحلیلی، به ساختار و محتوای آن پرداخته شده است، این ترانه دارای مضامین گوناگون اجتماعی، از جمله توصیف داماد و عروس و مراسم و اسباب مربوط به جشن عروسی در گذشته و حال است، لارو در موسیقی عامیانه و ادبیات شفاهی بلوچی جایگاه ویژه‌ای داشته و خواندن و سرودن آن از قدیم الایام رایج بوده است و هنوز ادامه دارد. سادگی و بی‌پیرایگی این سروده‌ها با زبان عامه مردم تنها سب دارد؛ لاروها همگی موزون و بیشتر آن‌ها مقفی و قالب غالب آن‌ها بلوچی سنتی است. تاکنون به طور مستقل، به موضوع این مقاله پرداخته نشده و این پژوهش می‌تواند جهت معرفی و شناخت این نوع ادبی راهگشا باشد.

کلمات کلیدی: ادبیات عامه، شعر عامه بلوچی، لارو، ساختار، درون‌مایه.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، چابهار، ایران.



۱. مقدمه

ادب عامه گستره وسیعی دارد، در یک تقسیم‌بندی کلی آن را به بخش‌های ادب داستانی عامه، ادب نمایشی عامه، ادب غیر روایی عامه و ادب منظوم عامه تقسیم می‌کند. (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۴۰) در این تقسیم‌بندی، ادب منظوم عامه خود به فروعی مانند اشعار شادی، اشعار سوگ، اشعار بازی و سرگرمی، اشعار خواب و نوازش، اشعار نیایشی و اشعار تغزلی تقسیم می‌شود. هرکدام از این فروع نیز خود دارای چندین گونه است؛ بنابراین انواع ادبی عامه در مناطق مختلف با تنوعی کم‌نظیر همراه‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت مطالعه همه‌جانبه آن‌ها نیازمند همت و تلاش گروهی است. (شهبازی و نوری، ۱۴۰۱: ۹۰)

ترانه‌ها و سروده‌های عامه بخشی از ادب شفاهی اقوام و شامل اشعاری است که به مناسبت‌های مختلف میان مردم رایج است، برخی از آن‌ها تسکین‌دهنده آلام و رنج‌های ناشی از کار و تلاش فردی و جمعی است که هنگام کار و فعالیت می‌خوانند و بعضی دیگر آرامبخش خاطر مردم در زمان جشن و سرور یا سوگ عزیزان است. این ترانه‌ها را به فراخور مناسباتی که داشته‌اند، خوانندگان خوش‌صدا می‌خوانده و حاضران از استماع آن‌ها لذت می‌برده‌اند و گاهی حاضران به نغمه‌های خواننده پاسخ می‌داده‌اند، «همراه کردن موسیقی با ترانه‌ها سبب می‌شده است که این ترانه‌ها فراگیر شوند و بر سر زبان‌ها بیفتند، همین گونه‌های آوازی سبب پدید آمدن گونه‌های مختلف شعری بوده است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۳۴)

ترانه کلام موزونی است که قابلیت‌های موسیقایی دارد. هم به ساحت شعر متعلق است و هم یکی از ملزومات بخش اعظمی از ساختار موسیقی است. (موسوی میرکلاتی، ۱۴۰۲: ۱۰۶)

«ترانه‌های عامیانه بخشی از ادبیات عامه است و آن شامل کلیه آثار موزونی است که به شکل تصنیف، مثل، افسانه، لُغز و چیستان، آوازهای کار، سرودهای مذهبی، لالایی‌ها، ترانه‌های بازی و عروسی و ترانه‌هایی که برای کودکان خوانده می‌شود، در میان مردم معمول و متداول است، این ترانه‌ها از قدیم‌ترین زمان‌ها در بین همه ملت‌ها وجود داشته و قدمت آن‌ها به دورانی می‌رسد که هنوز ادبیات مکتوب وجود نداشته است» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۶) اگرچه ترانه‌های عامیانه، همچون دیگر انواع شعر عامه، گوینده و سراینده و تاریخ پیدایش مشخصی ندارد، اما از لحظه پیدایش بشر، این ترانه‌ها در روح و جان مردم بوده و رشد و نمو یافته‌اند. (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

امروزه، هر کلامی را که با موسیقی تلفیق شده باشد؛ اعم از اینکه در وزن رباعی باشد یا نه، ترانه می‌نامیم (سرامی، ۱۳۶۰: ۱۶۱) چه هر قطعه کوچکی که دارای لحنی از الحان موسیقی باشد، می‌توان آن را ترانه نامید و حتی تصنیف‌های امروز را هم بدین قاعده می‌توان ترانه نام نهاد، چنانچه شمس قیس رباعیات را که به بحر هزج مثنی است، این نام داده و آن را با تغییراتی که خود آورده است، ترانه نام نهاده است. (بهار، ۱۳۷۱: ۱۳۰)

شعر عامه بلوچی از تنوع زیادی برخوردار و با مضامین گوناگونی است. انواعی مانند لیلو (لالایی)، نازنیک (اشعار نوازش، نازآوا)، هالو (ترانه‌های شادی و هلهله)، لارو (ترانه‌های سور و سرور)، سوت (تصنیف)، موئک (مرثیه)، امبا (شعر کار ماهیگیران) و... در ادب بلوچی رایج هستند.

سرور از درون‌مایه‌های اصلی در ترانه‌های ایران است، ترانه‌های سرور در گذشته بیشتر در مراسم عروسی و ختنه سوران اجرا می‌شده است، امروزه مراسم جشن ختنه سوران جایگاه خود را از دست داده و عملاً چنین جشنی وجود ندارد، اما در عروسی‌ها همچنان این گونه ترانه‌ها را به صورت جمعی یا تک‌خوان اجرا می‌کنند، سه نوع مهم این سروده‌ها عبارتند از: لارو lārō، هالو hālō و سوت sawt. سوت به تصنیف‌های عامیانه و ادبی می‌گویند، عامیانه از این جهت که سراینده اشعار، مردم عوام و گمنام هستند و ادبی به این معنی که اشعار و غزل‌ها ساختار ادبی دارند و سراینده آن‌ها معلوم است، لارو و هالو دو نوع شبیه به همدیگر که در مراسم عروسی اجرا می‌گردند، البته در ساختار و مضمون اختلافاتی دارند.

۱-۱. بیان مسأله

ترانه‌های عروسی، ترانه‌هایی هستند که نه تنها در عروسی‌ها خوانده می‌شوند، بلکه از نظر مضمون خود رابطه مستقیم با عروسی و رسوم گوناگون آن دارند، این نوع ترانه‌ها در جنوب ایران بیشتر انعکاس دارند، (ژوکوفسکی، دالتین، ۱۳۸۲: ۹۱)

لاژو نوعی ترانه از گروه ترانه‌های شادی و سرور با مضامین گوناگون مرتبط با عروس و داماد و اسباب عروسی است. این ترانه اگرچه ویژه مراسم جشن عروسی بوده است، در مراسم بزم دیگر نیز خوانده می‌شود، خوانندگان آن در مراسم عروسی زنان بوده‌اند. تلفظ واژه لاژو با «ژ» و واو مجهول است، «ژ» یازدهمین نشانه نوشتاری از الفبای بلوچی است که از نظر ترتیب الفبایی پس از «ر» قرار می‌گیرد و از نظر آوایی نماینده صامت برگشته واک‌دار «ژ» است و در نوشتار بلوچی روی «ر» حرف ط دسته‌دار کوچکی می‌گذارند، این واج و نشانه نوشتاری در فارسی وجود ندارد. نام «لاژو» برای این ترانه برگرفته از کلمات بی‌معنی مکرری است که در ابتدا یا لابه‌لای این ترانه‌ها تکرار می‌شود، این تکرار نشان‌دهنده وزن و ریتم آهنگ آن‌ها است. محمد تقی مسعودیه نیز بر همین نظر است و می‌گوید: «عنوان لاژو ظاهراً به این جهت است که متن این آواز معمولاً دارای ترجیع‌بندی است که فقط از تکرار هجاهای بدون معنای لاژو لے لڑو تشکیل می‌شود» (مسعودیه، ۱۳۶۴: ۲۲) گاهی برای پر کردن وزن و کامل کردن هجاهای مصراع از این هجاها استفاده می‌گردد و این گونه تلفظ می‌شوند: «لاژے lāṛay، لاژو lāṛaw، لڑے lāṛay، لڑو lāṛaw، لڑی lāṛi، لے لڑو laylāṛaw، لڑونگے lāṛūṅgay». بنابر همین آواهای عامیانه، برخی از علاقمندان شعر بلوچی، این کلمات را به جای افعیل عروضی یا اجزای وزن به کار می‌برند و رکن‌های عروضی را بر اساس آن‌ها ساخته‌اند و بر همین روش نشانه‌گذاری می‌کنند، مثلاً به جای

مستفعلن «لاژے لڑو lāṛay laṛaw»، به جای مفاعیلن «لڑے لڑو laṛaylāṛaw»، به جای فعولن «لڑے لا laṛaylā یا لڑونگے laṛūṅgay»، به جای فاعلاتن «لے لڑو لا lay laṛaw lā»، به جای فاعلن «لے لڑو laylaṛaw»، به جای فاعلیاتن «لے لڑو لاژے» و ... می‌گویند. (ر.ک: جهان‌دیده، ۱۳۹۹: ۴۸ - ۵۱)

برای نمونه پاره‌ای از یک ترانه عامیانه بلوچی را ذکر می‌کنیم:

lay laṛaw lāṛaw lay laṛaw lāṛaw	لے لڑو لڑو لے لڑو لڑو
ay hodā rahm kaṇ baččōṅ sālōṅk eṇt	اے ہدا رَہم کں بچاؤں سالونک انت
sohr e gaṛyālē paṇjag i rōk eṇt	سُہرے گزیالے پنچگ ئی روک انت

برگردان: ای خداوند رحمتت را نازل کن که پسر داما دامت؛

ساعتی طلایی بر پنجه‌اش می‌درخشد.

لے / لڑو / لا / لڑو / لے / لڑو / لا / لڑو

اے / ہدا / رَہم / کں / بچ / چوں / سا / لوں / کنت

سُہر / ر / گز / یا / لے / پن / ج / گی / رو / کنت

لے لڑو لا / لڑو لے لڑو / لاژو (معادل فاعلاتن / مفاعلن / فعلن)

البته در برخی از ترانه‌ها و آوازا کلماتی مشابه مانند «دے دلو دے دالو دلو دالو» و کلماتی مانند «هَلَوِ هَالَوِ هَلَوِ» هم کاربرد دارد. کلمات «دے دلو daydalū» به معنای آواز عامیانه و «هَالَوِ hālō» نیز نوعی آواز عامیانه است. وجه تسمیه این دو از تکرار همین کلمات در آغاز این گونه ترانه‌ها است.

لاژوها همانند انواع دیگر شعر عامه بلوچی، تاریخ کهن دارند و از نسلی به نسل دیگر منتقل و متحول شده‌اند. این قدمت را می‌توان از محتوای این سروده‌ها دریافت. این ترانه‌ها را معمولاً در جشن عروسی برای توصیف داماد و عروس می‌خوانند، در شب‌های جشن عروسی و هنگامی که می‌خواهند داماد را به حمام و سپس به حجله ببرند.

اهمیت مطالعه این نوع ترانه‌ها در این است که شاید بتوان از طریق آن‌ها به گوشه‌هایی از شناخت ساختار سروده‌های عامه ایرانی پی برد و مضمون و محتوای آن‌ها جهت معرفی فرهنگ و مراسم سرور مردم بلوچ مفید است. از آن‌جا که ادب عامه، از منابع مهم شناخت ادبیات و فرهنگ و باورهای مردم است، پژوهش در این زمینه ضروری است.

۲-۱. پیشینه

درباره این نوع ادبی عامه، پژوهشی صورت نگرفته است، محمد تقی مسعودیه در کتاب موسیقی بلوچستان، در چند سطر لاژو را معرفی کرده است و می‌گوید که این ترانه را پس از استحمام داماد می‌خوانند، در ضمن چند نمونه از این نوع ترانه را به عنوان نمونه آورده است؛ در میان بلوچ‌های سیستان

و گویش سیستانی نوعی ترانه سرور با نام «هالوکه» یا «آلوکه» وجود دارد، و در این زمینه مقاله‌ای با عنوان «آلوکه‌خوانی و کاربردهای آن در آیین جشن و سرور سیستان» توسط فاطمه الهامی و راضیه میرشکار به تحریر در آمده است، نویسندگان در این مقاله کاربرد این نوع ترانه‌ها را در مراسم جشن عروسی می‌دانند و ضمن بررسی ساختار سروده‌ها به محتوای آن‌ها اشاره می‌کنند.

پژوهش‌های گوناگونی درباره ترانه‌های سرور اقوام ایرانی انجام گرفته است، از جمله آن‌ها: حسن ذوالفقاری و لیلا احمدی (۱۳۸۸) در مقاله «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران» به بیان چگونگی، تاریخچه، ارزش‌ها و ویژگی‌های بومی سروده‌ها پرداخته شده است؛ عظیم جبار و عارف فضلی (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی و تحلیل ترانه‌های عروسی منطقه لارستان با تکیه بر بن‌مایه‌های اساطیری» و سید حسین طباطبایی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «آیین‌های سوگ و سرور در منطقه سرکویر دامغان» و جبارنصرو، عظیم و کوهنورد، پریچهر (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی اشعار و ترانه‌های عروسی در شهرستان جهرم» و جمالیان‌زاده، برزو و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «نگاهی به اشعار و ترانه‌های عروسی در کهگیلویه» همگی به بررسی ترانه‌ها سور و سرور بومی اقوام ایرانی پرداخته‌اند، اما درباره ترانه‌های سرور بلوچی «لاژو» پژوهشی چاپ یا منتشر نشده است.

۲. انواع لاژو

لاژوها آهنگ‌های شادی هستند که در مراسم جشن عروسی کاربرد دارند، برخی از این نواها در مرحله-ای از جشن عروسی اجرا می‌شوند، مثلاً در شب حنابندان یا اصطلاحاً «شپ هِنّا šape hennā» که دومین شب از سه شب جشن عروسی است، هم در منزل داماد و هم در منزل عروس، زنان مسئول حنابندی هستند و بر دست و پای عروس و داماد حنا می‌بندند. در حین حنا بستن ترانه‌های ویژه این شب را به صورت گروهی و ملحون و اغلب بدون ساز می‌خوانند.

enšapi hanābandān eṅt	انشپی حنابندان انت
māt i gal o šādān eṅt	مات ئے گل ء شادان انت
gohār i balāh-gardān eṅt	گهار ئے بلاگردان انت
brat i wayi handān eṅt	برات ئے وتی هندان انت

برگردان: امشب شب حنابندان است / مادر داماد (یا عروس) شادمان است / خواهر او بلاگردان (فدای) اوست / برادرش خندان و خوشحال است.

ترانه‌های دیگری نیز مخصوص استحمام داماد است، در گذشته داماد را به چشمه یا رودخانه می‌بردند و تنش را می‌شستند و رسم «کورگان kawragān» شکل می‌گرفت، امروزه بیشتر در خانه و شستن داماد

در حمام اجرا می‌گردد، در هر حالت این ترانه‌ها را در این مرحله از مراسم جشن عروسی می‌خوانند، یکی از مشهورترین ترانه‌های این مرحله «سرآبی بران sar āp i barān» است:

Sare āp i barān āp maŋ gwalmān eŋt	سرء آبی بران آپ مان گولمان انت
sālōŋk nāz makaŋ nāze māŋ kawšān eŋt	سالونک ناز مکی ناز ء مان کوشان انت
Sare āp i barān āp maŋ gwalmān eŋt	سرء آبی بران آپ مان گولمان انت
sālōŋk nāz makaŋ nāze māŋ poččān eŋt	سالونک ناز مکی ناز ء مان پُچان انت

.....

برگردان: [داماد را برای شستن،] کنار آب می‌بریم، آبی که در استخرهای طبیعی است، / ای داماد ناز نکن، نازت در کفش‌هاست.

[داماد را برای شستن،] کنار آب می‌بریم، آبی که در استخرهای طبیعی است، / ای داماد ناز نکن، نازت در لباس‌هاست.

برای مبارک‌باد گفتن عروس و داماد زمانی که آن‌ها را در شب حجله در کنار هم می‌نشانند، ترانه‌هایی دیگر وجود دارد که یکی از آن‌ها عبارت است از:

mobārak mani sālōŋk tarāra	مبارک منی سالونک ترارا
wašši ye bāt	وَشِیْءِ بات
mobārak mani delbar tarāra	مبارک منی دلبر ترارا
wašši ye bāt	وَشِیْءِ بات
mobārak mani mirēŋ pete bačč	مبارک منی میرِشِ پتء بیچ
wašši ye bāt	وَشِیْءِ بات
mobārak tai māt o petā ra	مبارک تئی مات ء پتء را
wašši ye bāt	وَشِیْءِ بات
mobārak tai dōst o azizān	مبارک تئی دوستء ازیزان
wašši ye bāt	وَشِیْءِ بات

.....

داماد [عزیز]م، عروسی‌ات مبارک باد،
خوش و شادمان باشی.

محبوب من عروسی‌ات مبارک باد

خوش و شادمان باشی.

پسر پدر رادمرد من، عروسی‌ات مبارک باد

خوش و شادمان باشی.

عروسی‌ات به پدر و مادرت مبارک باد

خوش و شادمان باشی.

عروسی‌ات به دوست و عزیزانت مبارک باد. ...

برخی دیگر از این گونه ترانه‌ها موسوم به «لاژو ششگانی lāfō šešegāni» هستند، و آن ترانه‌هایی هستند که زنان در شب ششم زایمان زانو جهت آرامش مادر بچه و شادی تولد او می‌خوانند، این ترانه‌ها را نات nāt یا شپتاکی šaptāki هم می‌گویند:

lay lafay lāfay lafaygow

lay lafay lāfay lafaygow

maškate tarrēṇ kalampor

kaptōke jige sare poll

man košāṇ gok o gorāṇḡdāṇ

nonnola pira barāṇ man

pir wati kawla bozūri

nonnola mā ra bedaṇt

۱ لے لڑے لڑے لڑیگو

لے لڑے لڑے لڑیگو

مشکت ٔ ترین کلمپر

کپتوک ٔ جیگ ٔ سر ٔ پُل

۵ من گُشاں گوک ٔ گُراندان

تُل ٔ پیر ٔ براں من

پیر وتی کول ٔ به‌زور ٔ

تُل ٔ ما را بدنت

۱- لے لڑے لڑے لڑیگو

لے لڑے لڑے لڑیگو

دانه‌های تازه میخک عمانی،

گل آویخته بر گریبان زانو است.

۵- من گاو و گوسفند ذبح می‌کنم،

و کودکم را به زیارت می‌برم،

پیر به قول خود وفا کند و

که کودک [سالم] به دنیا بیاید.

۳. ساختار اشعار لاژو

لاژوها سروده‌های کوتاهی هستند که قالب کلیهٔ آن‌ها همانند دیگر اشعار عامیانهٔ بلوچی، «بلوچی سنتی» است. یکی از ویژگی‌های این نوع سروده‌ها، تکرار بیش از حد مصراع‌هاست. خواننده پس از

خواندن یک یا دو مصراع، افراد همخوان بندهای مکرر را تکرار می‌کنند و همین مکررات گاهی سبب طولانی شدن آهنگ می‌گردد.

۱-۳. قالب

قالب لاژو همانند انواع دیگر شعر عامه، «بلوچی سنتی» است. واحد شمارش شعر در این قالب در اصطلاح بلوچی «بند» است و آن معادل مصراع فارسی و نوشتن اشعار ستونی و هر بند یک سطر است، تعداد بندهای یک شعر می‌تواند فرد یا زوج باشد، ویژگی مهم این قالب این است که محدودیت قافیه ندارد، از این جهت بیشتر به قالب مثنوی می‌ماند؛ قالب سنتی بلوچی بیشترین ظرفیت را برای داستان-گویی و داستان‌پردازی در ادبیات کلاسیک بلوچی داشته است. با این که همه یا بیشتر مصراع‌ها مقفی هستند، سراینده هر کجا بخواد می‌تواند قافیه را تغییر دهد، لاژوها به دلیل شفاهی بودن، در گذشت روزگار دست‌مایه تغییر و تحول و جابه‌جایی کلمات و مصراع‌ها بوده‌اند، به همین دلیل برخی از آن‌ها قافیه ندارند. قافیه در این گونه اشعار به دلیل آهنگین بودن و ملحون خواندن آن‌ها نقش بسیار پررنگی دارد. البته در این ترانه‌ها همانند بیشتر اشعار عامه، سرایندگان و خوانندگان به قواعد دقیق و جزئیات قافیه توجه نکرده و گویا به مهم‌ترین نقش آن که ایجاد موسیقی است، نظر داشته‌اند. در برخی از مصراع-ها ردیف آمده است و ردیف گاهی بر جایگاه قافیه نشسته است.

۲-۳. وزن لاژو

لاژوها به دلیل این که به صورت شفاهی نقل می‌شوند و عامه مردم آن‌ها را می‌خوانند و آوازخوانان نیز حرفه‌ای نیستند، گاهی کلمات و هجاها جابه‌جا یا کم و بیش می‌شوند؛ بنابراین وزن این سروده‌ها یکسان نیست، در برخی از لاژوها مشاهده می‌شود که تعدادی از مصراع‌ها موزون و تعدادی ناموزون است و نیز گاهی مصراع‌های موزون بر یک وزن نیستند. اما اگر اصلاح‌شده بیشتر این ترانه‌ها را نظر بگیریم و کلمات و هجاهای زاید و افزوده‌شده را حذف یا جابه‌جا کنیم، درمی‌یابیم که وزن بیشتر آن‌ها عروضی با ویژگی‌های عروض بلوچی است.

گاهی در برخی از آوازها-همچنان که گفتیم- مصراع‌ها کلمات بی‌معنی، هجا یا هجاهایی اضافه دارند، خوانندگان در حین آوازخوانی با کوتاه کردن یا کشش هجاها، وزن و آهنگ آن‌ها را میزان می‌کنند.

اوزان به کاررفته در سروده‌های لاژو وزن‌هایی است که در شعر کهن بلوچی رایج هستند. بر خلاف لالایی‌ها، نازینک‌ها و هالوها که بیشتر بر یک وزن سروده شده‌اند و بسامد آن وزن در آن‌ها بیشتر است، این ویژگی برای لاژوها صادق نیست.

بحر رجز مربع سالم (مستفعلن، مستفعلن) از پرسامدترین اوزان شعر بلوچی است، این وزن در ترانه-های لاژو نیز پرسامد است.

lāṛaw laṛaw laṛaw lāṛaw laṛaw	لاژو لاژو لاژو لاژو لاژو
bārag nali ya taw maraw	بارگ نلیء تو مرو
jāni nali ya taw maraw	جانی نلیء تو مرو
taw ke raway man čōṇ kanāṇ	تو کہ روئے من چوں کناں
dazmāl a dawr day bō kanāṇ	دزمالء دور دئے بو کناں

ای دوست زیبایم به منطقهٔ نلی نرو

عزیزم به منطقهٔ نلی نرو

تو کہ می روی من [در فراق] چہ کنم؟

دستارت را [به سویم] بیانداز تا [در غیابت] بو کنم.

لا / ژو / ل / ژو / لا / ژو / ل / ژو

با / رگ / ن / لی / ی / تو / م / رو

جا / نی / ن / لی / ی / تو / م / رو

تو / ک / ر / وئے / من / چوں / ک / ناں

دز / ما / ل / دور / دئے / بو / ک / ناں

---ن- | -ن- مستفعلن مستفعلن، بحر رجز مربع سالم.

بحر «قریب مسدس اخرم مجحوف» (مفعولن، مفاعیلن، فع) از اوزان پرکاربرد و مخصوص شعر بلوچی است.

گاهی پیش می آید کہ خواننده ای بخشی از این گونه کلمات بی معنی را به مصراع یا مصراع های اصلی و معنی دار می افزایند و با آهنگ و ریتم آن ها یکسان می خوانند:

laṛūṅgay sālōṅk o mani čamm ay rōk	لژونگے سالونک ء منی چمء روک
laṛūṅgay dūši ātkagāṇ may wāba	لژونگے دوشی آتکگاں مئے وابء
laṛūṅgay grāṇdorr o mani čammay rōk	لژونگے گراندر ء منی چمء روک
laṛūṅgay dābāni pari nēm-wāba	لژونگے دابانی پری نیم وابء
laṛūṅgay dantāṇ kočkal o trepnākēṇ	لژونگے دنتان کچکل ء ترپناکین

برگردان، بدون کلمهٔ لژونگے:

داماد نور چشم من

دیشب به خوابم آمده است

[عروس] با گوشواره‌های سنگین نیز نور چشم من است

دختر خرامان و با چشم‌های خمار

با دندان‌های سفید و صدف‌مانند و درخشنده.

سا / لَوْن / کُ / م / نی / چم / مے / رَوک

دو / شی / آت / ک / گان / مے / وا / با

گُراں / دُر / زُ / م / نی / چم / مے / رَوک

دا / با / نی / پ / ری / تیم / وا / با

دن / تان / کُچ / ک / لُ / تَرپ / نا / کیس

لا / زے / لے / ل / زو / لے / لا / زو

--- | ا --- | --- | مفعولن، مفاعیلن، فع

در ترانه پنج‌مصراعی فوق واژه «لَرونگے» بی‌معنی و اضافه بر وزن است، اگر آن را از مصراع‌ها برداریم، شعر بر وزن «مفعولن، مفاعیلن، فع» است که از وزن‌های پربسامد بلوچی است. البته خوانندگان مصراع کامل ریتم این آهنگ (لَرونگے لَزے لے لَرو لے لَزو) را به آن اضافه می‌کنند که وزنش دقیقاً با مصراع‌های ترانه یکی است.

یکی از اوزان پرکاربرد در عروض بلوچی «فاعلاتن مستفعلن فعلن» بحر خفیف مسدس اصلم است و آن را به شکل «فاعلیاتن، فاعلیاتن» بحر رمل موسع هم می‌توان تقطیع کرد، (جهان‌دیده، ۹۹: ۱۰۴) برخی از لَزوها نیز در این وزن سروده شده‌اند.

laylařaw laylařaw lařay lařay

sālōŋke kawšāŋ waštawārēnāŋ

data bandān o pire jaŋdīyāŋ

لے لَزو لے لَزو لَزے لَزے

سالونکء کوشان وش‌تواریتان

دستء بندان ء پیرء جندیاں

برگردان:

لے لَزو لے لَزو لَزے لَزے

کفش‌های خوش‌صدا برازنده داماد است.

در برابر پرچم زیارتگاه دست می‌بندم.

لے / ل / زو / لے / لا / زو / ل / زے / لا / زے

سا / لو / کے / کو / شان / وش / ت / وا / ری / نان

دس / ت / بن / دان / ئ / ای / ر / جن / ڈی / یان

ن - - - | - - - ن - - - | - - - فاعلاتن مستفعّلن فع لن
ن - - - | - - - ن - - - فاعلیاتن فاعلیاتن

سه وزنی که از آن‌ها نام بردیم و مثال ذکر کردیم، پربسامدترین اوزانی است که در لاژوها به کار رفته‌اند، بحرهایمانند هزج (مفاعیلن، مفاعیلن / مفعول مفاعیلن) و متقارب و ... نیز کاربرد دارند.

۴. شیوه اجرای لاژو

لاژو ترانه‌ای است که خوانندگان آن بیشتر زنان بوده‌اند، مردان نیز گاهی با آن‌ها هم‌خوانی می‌کرده‌اند. در گذشته که جشن‌های عروسی با رسوم محلی همراه بودند، زنان این گونه ترانه‌ها را در شب‌های عروسی یا زمانی که داماد را می‌شستند، به صورت هم‌خوانی می‌خواندند. معمولاً زنی خوش صدا ترانه را می‌خواند و گروه زنان، مصراع‌های مکرر را هم‌خوانی می‌کردند، گاهی مردان نیز خواندن این آوازها را به همین شکل یا همراه با زنان اجرا می‌کرده‌اند.

در سالیان اخیر برخی از خوانندگان مرد و زن لاژوهای قدیمی را همراه با ساز و موسیقی خوانده و اجرا کرده‌اند و این اقدام آن‌ها در حفظ این ترانه‌های در حال فراموشی کمک بزرگی کرده است.

۵. درون‌مایه اشعار لاژو

لاژوها عمدتاً در توصیف داماد و عروس و مراسم عروسی سروده شده‌اند. درون‌مایه آن‌ها طبعاً درباره رشادت و برازندگی داماد و زیبایی‌های عروس و زیورآلات و مهریه ارزشمند و اسباب و وسایل عروسی است.

لاژوها به دلیل این‌که برای موضوعی خاص سروده شده‌اند، به لحاظ درون‌مایه تنوع زیادی ندارند.

۵-۱. توصیف داماد و عروس

درون‌مایه اصلی اشعار آهنگین لاژو توصیف داماد است، در این توصیف‌ها از دلیری، خوش قامتی، زیبایی، شخصیت و رفتار سخن به میان می‌آید.

Lay lafaw lafaw lay lafaw lafaw
čap Janet brātān bačči sālōṅk eṇt
majlese brāh eṇt čārdahi māh eṇt
čap Janet brātān bačči sālōṅk eṇt
majles o sir eṇt sālōṅk eṇ mir eṇt
čap Janet brātān bačči sālōṅk eṇt

۱ لے لَژو لَژو لے لَژو لَژو
چاپ جن ات بُراتان بچی سالونک انت
مجلس بُراه انت چاردهی ماه انت
چاپ جن ات بُراتان بچی سالونک انت
۵ مجلس سیر انت سالونک ان میر انت

kadd o bālāde sar wati šanj̄k eṇt چاپ جن ات بُراتاں بچی سالُونک انت
čāp janet brātāṇ bačči sālōṅk eṇt کدّ ء بالاد ء سر وتی شنک انت
چاپ جن ات بُراتاں بچی سالُونک انت

۱- لے لڑو لڑو لے لڑو لڑو

ای برادران کف بزئید (شادی کنید) که پسرَم داماد است
پسرَم زببندگی مجلس است و مانند ماه شب چهارده می‌درخشد
ای برادران کف بزئید (شادی کنید) که پسرَم داماد است
۵- مجلس جشن عروسی است و داماد میر مجلس است
ای برادران کف بزئید (شادی کنید) که پسرَم داماد است
سرَم فدای قد و قامتش باد
ای برادران کف بزئید (شادی کنید) که پسرَم داماد است.

در برخی از ترانه‌ها عروس و داماد را به هم توصیف می‌کنند:

lāṛay laṛay lāṛay laṛay	۱ لاژے لاژے لاژے لاژے
sālōṅk kalāte wājah eṇt	سالُونک کلات ء واجه انت
nešta kalātāni sara	نشته کلاتانی سرء
bānōr kalāte bānok eṇt	بانۆر کلات ء بانک انت
nešta kalātāni taha	۵ نشته کلاتانی تهء
taw ke raway dar bambai	تَو که روئے در بمبئی
bānōr wat-ā ra sambahi	بانۆر وتء را سمبھی
sālōṅk kalāte wājah eṇt	سالُونک کلات ء واجه انت
nešta kalātāni sara	نشته کلاتانی سرء
bānōr kalāte bānok eṇt	۱۰ بانۆر کلات ء بانک انت
nešta kalātāni taha	نشته کلاتانی تهء
lāṛay laṛay lāṛay laṛay	لاژے لاژے لاژے لاژے
bānōr kalāte bānok eṇt	بانۆر کلات ء بانک انت
nešta kalātāni taha	نشته کلاتانی تهء
māt o peta yakdānag eṇt	
siṅgār mani dordānag eṇt	

lāṛay laṛay lāṛay laṛay	۱۵ ماتِ پتِءِ یکِ دانگِ اِنْت
taw ke raway dar gwāḍara	سینگار منی دردانگِ اِنْت
bānōr sara kaṇṭ ṣāḍera	لاژے لژے لژے لژے
sālōṅk kalāte wājah eṇt	تو کہ روئے در گُودرِءِ
neṣta kalātāni sara	بانور سرِءِ کنت چادرِءِ
bānōr kalāte bānok eṇt	۲۰ سالونک کلاتِءِ واجه اِنْت
neṣta kalātāni taha	نشته کلاتانی سرِءِ
	بانور کلاتِءِ بانک اِنْت
	نشته کلاتانی تهءِ

۱ لاژے لژے لژے لژے
 داماد صاحب قلعه است
 و بر بالای آن نشسته است؛
 عروس بانوی قلعه است و
 ۵ در آن اقامت دارد.
 تو به شهر بمبئی می روی،
 عروس خود را می آراید،
 داماد صاحب قلعه است
 و بر بالای آن نشسته است؛
 ۱۰ عروس بانوی قلعه است و
 در آن اقامت دارد.
 لاژے لژے لژے لژے
 عروس بانوی قلعه است و
 در آن اقامت دارد،
 ۱۵ او از پدر و مادر یکی و یک دانه است،
 [امروز] روز آراستن اوست.

لاژے لژے لاژے لژے

تو که داری به شهر گواد می‌روی،

عروس چادر بر سرش می‌گذارد،

۲۰ داماد صاحب قلعه است

و بر بالای آن نشسته است؛

عروس بانوی قلعه است و

در آن اقامت دارد.

۵-۲. مراسم شستن داماد

یکی از مهم‌ترین و پرهیجان‌ترین مراسم عروسی، شستن تن داماد است. این رسم در گذشته بسیار با شکوه و همراه با شادی و هلهله، ترانه‌های شاد، مسابقه تیراندازی و اسب‌سواری بوده است. داماد را بر اسب یا شتر سوار می‌کردند و زنان و مردان به صورت پیاده به همراه داماد به چشمه یا رودخانه می‌رفتند و تن داماد را در میان آب می‌شستند و با پوشاندن لباس سفید و نو پس از ساعاتی او را به حجله نزد عروس می‌بردند. در چند دهه پیش سواری اسب و شتر جای خود را به ماشین داد و داماد و افراد همراه با خودرو به کنار آب می‌رفتند و مراسم را به همان ترتیب انجام می‌دادند. این رسم کم‌کم حالت خود را از دست داد و امروزه بیشتر مردم داماد را در حمام خانه می‌شویند. این بخش از مراسم عروسی را «کورگان kawragān» یا «سرِ آپ sar e āp کنار آب [چشمه یا رود]» می‌گویند، «سر آپ برگ - sar e āp bar ag به کنار آب بردن». کورگان برگرفته از واژه «کور kawr» به معنی رودخانه است.

رسم کورگان و شستن تن داماد، ترانه‌های ویژه‌ای داشته است، که خوانندگان خوش صدا با همخوانی زنان و مردان آن‌ها را می‌خوانده‌اند،

sare āp i barān āp maṇ gwalmān eṇt
sālōṅk nāz makaṇ nāze māṇ kawšān eṇt
sare āp i barān āp maṇ gwalmān eṇt
sālōṅk nāz makaṇ nāze māṇ poččān eṇt
sare āp i barān āp maṇ gwalmān eṇt
sālōṅk nāz makaṇ nāze māṇ dorrān eṇt

سرء آپی براں آپ ماں گولمان انت
سالونک ناز مکں نازء ماں کوشان انت
سرء آپی براں آپ ماں گولمان انت
سالونک ناز مکں نازء ماں پچان انت
سرء آپی براں آپ ماں گولمان انت
سالونک ناز مکں ناز ئے ماں دزان انت

برگردان: [داماد را برای شستن،] کنار آب می‌بریم، آبی که در استخرهای طبیعی است، / ای داماد ناز نکن، نازت در کفش‌هاست.
[داماد را برای شستن،] کنار آب می‌بریم، آبی که در استخرهای طبیعی است، / ای داماد ناز نکن، نازت در لباس‌هاست.
[داماد را برای شستن،] کنار آب گون‌ها [می‌بریم] آبی که در استخرهای طبیعی رودخانه است، / ای داماد ناز نکن، ناز در گوشواره‌های عروس است.

۳-۵. مبارک گفتن داماد

آهنگ‌های مبارک‌گویی داماد را در حین شستن او و در مسیر بردن وی به حجله و نشانیدن او در کنار عروس می‌خوانند. بخشی از یک ترانهٔ معروف را در این جا نقل می‌کنیم؛ این ترانه را خواننده‌ای خوش-صدا می‌خواند و همخوانان عبارت «وَشَّیْ بات (wašši ye bāt)» را تکرار می‌کنند:

mobārak mani sālōṅk tarāra	مبارک منی سالونک ترا
wašši ye bāt	وَشَّیْ بات
mobārak mani delbar tarāra	مبارک منی دلبر ترا
wašši ye bāt	وَشَّیْ بات
mobārak mani mirēṇ pete bačč	مبارک منی میری پت پچ
wašši ye bāt	وَشَّیْ بات
mobārak tai māt o petā ra	مبارک تَی مات ؤ پتء را
wašši ye bāt	وَشَّیْ بات
mobārak tai dōst o azizān	مبارک تَی دوست ؤ ازیزان
wašši ye bāt	وَشَّیْ بات

.....

داماد [عزیز]م، عروسی‌ات مبارک باد،

خوش و شادمان باشی.

محبوب من عروسی‌ات مبارک باد

خوش و شادمان باشی.

پسر پدر رادمرد من، عروسی‌ات مبارک باد

خوش و شادمان باشی.

عروسی‌ات به پدر و مادرت مبارک باد
خوش و شادمان باشی.

عروسی‌ات به دوست و عزیزانت مبارک باد. ...

۴-۵. بی‌قراری خانواده یا عروس از دوری داماد

در گذشته برخی از پسران به دلیل نبودن کار در زادگاه، برای تهیهٔ مخارج عروسی و شیربها و طلا و زیورآلات عروس، به کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس می‌رفتند و کار می‌کردند و پس از یک یا دو سال از کارفرمای خود مرخصی می‌گرفتند و به خانه برمی‌گشتند. به محض رسیدن به شهر خود مراسم عروسی برپا می‌گشت و پس از اتمام مدت مرخصی، باید دوباره برای کسب مخارج زندگی به محل کار برمی‌گشتند، لحظهٔ خداحافظی و عزیمت تازه‌داماد برای همسر و والدین و عزیزان او بسیار غمگین بوده است و در این زمینه ترانه‌هایی وجود دارد و در این جا بخشی از یکی از مشهورترین آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

Lařay lāřay lařaygo	۱ لَرے لَارے لَریگو
lařay lāřaw lařaygo	لَرے لَارے لَریگو
magrēwē māt o gohārān	مگریوے مات ء گھاران،
dabay-e darā-a čārān	دبیء دریا چاران
dabay-e daryā tayāb eñt	۵ دبیء دریا تیاب انت
jawānāni sina kabāb eñt	جوانانی سینه کباب انت
magrēwē māt o gohārān	مگریوے مات ء گھاران،
dabay-e darā-a čārān	دبیء دریا چاران دبیء
dabay-e mēle alāmat	میلء الامت
sālōñke daste kamma	۱۰ سالونکء دستء کلمء
magrēwē māt o gohārān	مگریوے مات ء گھاران،
dabay-e darā-a čārān	دبیء دریا چاران
dabay-e hūlla tawār kañt	دبیء هولء توار کُت
sālōñka allāhe mayār kañt	سالونک الله میار کت
magrēwē māt o gohārān	مگریوے مات ء گھاران،
dabay-e darā-a čārān	۱۵ مگریوے مات ء گھاران،

دبیء دریا چاراں

۱ لَڑے لاڑے لَڑیگو

لَڑے لاڑے لَڑیگو

مادر و خواهرانم [از رفتن من] گریه نکنید،

من به دُبی می‌روم و دریا را تماشا می‌کنم،

۵ به ساحل دریای دبی می‌رسم.

سینه جوانان [از دوری عزیزان] کباب است،

مادر و خواهرانم [از رفتن من] گریه نکنید،

من به دُبی می‌روم و دریا را تماشا می‌کنم،

پرچم کشتی [مسافربری] دُبی،

۱۰ به قلم داماد می‌ماند که در دست دارد.

مادر و خواهرانم [از رفتن من] گریه نکنید،

من به دُبی می‌روم و دریا را تماشا می‌کنم،

بانگ سوار شدن مسافران دبی بر کشتی به صدا درآمد،

من شاه‌داماد (پسرم) را به خدا سپردم.

۱۵ مادر و خواهرانم [از رفتن من] گریه نکنید،

من به دُبی می‌روم و دریا را تماشا می‌کنم،

۵-۵. دعا و آرزوی خوشبختی برای داماد

برخی از ترانه‌ها نمایانگر آرزوهای پدر و مادر داماد است، آن‌ها آرزو و دعا می‌کنند که پسرشان خوشبخت شود و زندگی سالم و پایداری داشته باشد.

lay lařaw lay lařaw lařay lařay

sālōŋke kawšāŋ waš-tawārēnāŋ

dasta bandān o piray jaŋđiyāŋ

sālōŋke kawšāŋ waš-tawārēnāŋ

mni morādāna sayl kanāt allāh

۱ لَے لَڑو لَے لاژو لَڑے لاڑے

سالۆنکء کوشان وش‌تواریتان

دستء بندان ؤ پیرے جَنڈیان

سالۆنکء کوشان وش‌تواریتان

۵ منی مُرادانء سئیل کنات الله

mni morādān o mni dele rāzān
 lay lafaw lay lāfaw lafay lāfay
 sālōnke kawšān waš-tawārēnān
 kōpaṛā bāzāre dapa rostag
 bačč-ōn gōn dazyārēn jana neštag
 lay lafaw lay lāfaw lafay lāfay
 sālōnke kawšān waš-tawārēnān
 sālōnke māta lōṭetāg māra
 sālōnke mat gōn man gelag kortag
 lay lafaw lay lāfaw lafay lāfay
 sālōnke kawšān waš-tawārēnān
 ji janekkān ke rōč marōčig enj
 rōč marōčig o bāndāt o pōši
 lay lafaw lay lāfaw lafay lāfay
 sālōnke kawšān waš-tawārēnān
 ji janekkān o ji šomey dastān
 pa šomey čāp o dast sobakbālān
 lay lafaw lay lāfaw lafay lāfay
 sālōnke kawšān waš-tawārēnān

منی مرادان ؤ منی دلء رازان
 لے لڑو لے لڑو لڑے لڑو
 سالونکء کوشان وش توارینان
 کوپڑا بازارء دپء رُستگ
 ۱۰ بج اؤں گوں دَزیارین جنء نِشتگ
 لے لڑو لے لڑو لڑے لڑو
 سالونکء کوشان وش توارینان
 سالونکء مات لوٹ اِتگ مارا
 سالونکء مات گوں من گلگ کُرتگ
 ۱۵ لے لڑو لے لڑو لڑے لڑے
 سالونکء کوشان وش توارینان
 جی جنکاں که رُچ مَرُچِیگ اِنْت
 رُچ مَرُچِیگ ؤ باندات ؤ پُوشی
 لے لڑو لے لڑو لڑے لڑے
 ۲۰ سالونکء کوشان وش توارینان
 جی جنگان ؤ جی شُمنے دستان
 پھ شُمنے چاپء دست شُبک بالان
 لے لڑو لے لڑو لڑے لڑے
 سالونکء کوشانء وش توارینان

۱ لے لڑو لے لڑو لڑے لڑے

کفش‌های خوش صدا برازنده داماد است.

در برابر پرچم زیارتگاه دست می‌بندم [و سلامتی داماد را آرزو می‌کنم]

کفش‌های خوش صدا برازنده داماد است.

۵ خداوآوند آرزوها و خواسته‌هایم را اجابت کند،

آرزوهایم و خواسته‌های قلبی‌ام را،

لے لڑو لے لڑو لڑے لڑے

کفش‌های خوش صدا برازنده داماد است.

درخت نارگیل بر دروازه شهر رُسته است،

۱۰ پسرم با همسر محبوبش نشسته است

لے لڑو لے لاژو لڑے لاژے

کفش‌های خوش صدا برازنده داماد است.

مادر داماد ما را دعوت کرده است،

مادر داماد از ما گله کرده است،

۱۵ لے لڑو لے لاژو لڑے لاژے

کفش‌های خوش صدا برازنده داماد است.

بشتابید ای دختران که امروز روز شادی و جشن است،

امروز و فردا و پس فردا

لے لڑو لے لاژو لڑے لاژے

۲۰ کفش‌های خوش صدا برازنده داماد است.

دست‌های شما ای دختران و

کف‌هایی که می‌زنید چه زیباست.

لے لڑو لے لاژو لڑے لاژے

کفش‌های خوش صدا برازنده داماد است.

۶. نتیجه‌گیری

شعر عامه بلوچی انواع گوناگونی دارد، هر کدام از آن‌ها دارای ساختار و درون‌مایه مجزایی است، از میان آن‌ها اشعار و ترانه‌های سرور چند گونه هستند و یکی از آن‌ها «لاژو» است، سرایش این نوع سروده قدمت زیادی دارد و خوشبختانه بسیاری از آن‌ها هنوز در ذهن و حافظه مردم بر جای مانده‌اند، این ترانه‌ها آهنگین و موزون به وزن‌های گوناگون عروضی رایج در زبان بلوچی و مطابق با ویژگی‌های عروضی شعر بلوچی هستند و به وسیله زنان به صورت فردی و همخوانی گروهی در مجالس بزم و عروسی خوانده می‌شوند، در بیشتر مصراع‌های این نوع سروده قافیه وجود دارد، برخی از قوافی از نوع شنیداری است و در حرف روی شاید یکسان نباشند، ولی در تلفظ از نظر موسیقی همسان هستند. محتوای لاژوها درباره توصیف زیبایی عروس و رشادت داماد و دعا و آرزوی خوشبختی برای آن‌هاست، آراستن عروس و مراسم حنابندان، بردن داماد به چشمه و شستن تن او، مبارک گفتن به آن‌ها در شب حجله از دیگر موارد مهم محتوایی این ترانه‌هاست، این ترانه‌ها بجز مراسم عروسی در مجالس بزم و شادی با مناسبت‌هایی مانند تولد کودک در شش شب نخست زایمان در خانه زانو خوانده می‌شوند.

منابع

- بهار، ملک الشعرا. (۱۳۷۱). بهار و ادب فارسی، جلد ۱، به کوشش محمد گلبن، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- جهان‌نیده، عبدالغفور. (۱۳۹۹). وزن و قافیه شعر بلوچی، تهران: معین.
- ذوالفقاری حسن و لیلا احمدی. (۱۳۸۸). گونه‌شناسی بومی سرودهای ایران، ادب‌پژوهی، ۷ و ۸.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). خوانندگان و نوازندگان محلی، حافظان ترانه‌های ملی. پژوهش‌نامه ادب غنایی، ۱۳، ۲۴. 10.22111/jllr.2015.2124
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۷). زبان و ادبیات عامه ایران، چاپ سوم، تهران: سمت.
- ژوکوفسکی، والتین. (۱۳۸۲). اشعار عامیانه ایران، به اهتمام و تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۶۰). از خاک تا افلاک، سیری در غزل‌ها و ترانه‌های مولانا، تهران: چاپخانه تابش.
- شهبازی، اصغر، و نوری، محدثه. (۱۴۰۱). بررسی ساختاری و محتوایی بایاتی‌های غنایی روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد. شهرستان زندیه (استان مرکزی). ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۲(۳)، ۸۹-۱۰۹. 10.30495/irll.2023.1939717.1470
- مسعودیه، محمد تقی. (۱۳۶۴). موسیقی بلوچستان، تهران: سروش.
- موسوی میرکلاتی، سید مهدی. (۱۴۰۲). بازتاب انگاره‌های قدسی در ترانه‌های دهه ۱۳۵۰ شمسی. جامعه‌شناسی ایران، ۲۴، ۲. 10.22034/jsi.2024.1987543.1659
- میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۵). واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: کتاب مهناز.